

شیوه معرفی مکتب اهل بیت (ع)

آشنایی و شناساندن مفهوم و ریشه تشیع و شناخت اصول کلی تشیع، مفهوم شیعه مبتنی بر آیات قرآن و روایات معصومین (ع) و اهل سنت، رابطه تشیع با سنت نبوی، نگاهی اجمالی به اصول دین در نگاه شیعه و عقاید خاص شیعه مانند عصمت، رجعت و...

روش‌های مختلف معرفی شیعه

ایجابی، جدلی و تهاجمی، تقریبی، سبک زندگی، کلامی، فقهی، اخلاقی، عرفانی، سیاسی، اجتماعی، زنان، تمدنی، تاریخی، حقوقی، تفسیری، حدیثی، علمی، هنری، اشعار، موعظه و کرامات، ... برای هر مورد مثالی بیاورید.

شعار اصلی در تبلیغ:

العیون - عن الرضا علیه السلام ، (قال): «رحم الله عبداً أحیی أمرنا، فقیل له: و کیف یحیی أمرکم؟ قال: یتعلّم علومنا و یعلّمها الناس، فانّ الناس لو علموا محاسن کلامنا لاّ تبعونا

تعریف شیعه و فرق میان شیعه و سنی

شبهه: چرا نام شیعه؟ این عنوان از کجا می آید؟

شیعه کلمه ای قرآنی است به معنی پیرو، هوی خواه، هم حزبی و به کسی اطلاق می شود که پا جای پای مراد خود می گذارد.

(۳۷) الصافات : ۸۳ وَ إِنِّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ (۸۴) إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

ابراهیم شیعه نوح بود. شیعه مریدی است که با قلب سلیم و نزدیک به عصمت پشت سر امام خود حرکت می کند. ما محبان اهل بیت هستیم و در عمل با شیعه حقیقی فاصله داریم.

شبهه: شیعه یک فرقه اختراعی است. شیعه ساخته اتفاقات بعد از پیامبر است.

۱. در تقابل با سقیفه، ساخته برخی اصحاب پیامبر مثل سلمان، مقداد و ابوذر است.

۲. ساخته عبدالله بن سبا یهودی است. تهمت وهابیت و برخی اهل سنت به شیعه

۳. ناشی از شورش بر عثمان و خلافت علی است.

۴. واکنش شیعیان به حادثه کربلاست،

۵. مذهب فقهی جعفر الصادق است.

۶. ساخته ایرانیان در واکنش به تسلط اعراب و فتح ایران است که با صفویه تثبیت شده است.

اینکه شیعه ساخته عبدالله سبا است نیاز به جواب جداگانه و مفصل دارد که بعداً توضیح خواهیم داد.

کتاب عبد الله بن سبا و ۱۵۰ صحابه ساختگی علامه جعفری دیده شود.

اما بقیه احتمالاتی که در بالا ذکر شده هیچکدام درباره اصل شیعه درست نیستند، البته در شکوفایی و ظهور شیعه در طول تاریخ مؤثر بوده اند. مطمئناً حادثه سقیفه، فتنه عثمان، فاجعه کربلا و نهضت علمی و فقهی صادقین ع و ... نقاط عطفی بوده اند که راه شیعه را از بقیه ممتاز و متمایز کرده است لکن هیچکدام نقش تأسیسی در شیعه ندارند بلکه ظرف ظهور بیشتر شیعه بوده اند.

لکن نظر تحقیق در وجه تسمیه شیعه و تأسیس آن این است که از زمان حیات رسول خدا (ص) بنا بر فضائلی که حضرت (ص) در میان اصحاب برای امام علی ع قائل بودند و دفاع و تبعیت تام امام ع از پیامبر (ص) و اسلام و آینده ای که برای امام ع متصور بود، دو گروه در میان مسلمین ایجاد شد:

۱. طرفداران و محبان علی ع

۲. مخالفان و مبغضان علی ع

و نام شیعه را خود پیامبر به این گروه داده است.

چند مثال از فضائل حسادت زا:

- داستان انذار عشیرتک الاقربین و مهمانی و تعیین جانشین

- لیلۃ المبيت

۲ بقره ۲۰۷: وَمِنَ النَّاسِ مَنُ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ

- جنگ های بدر، احد، خندق، خیبر، ...

لاعطین الراية غدا رجلا يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله يفتح الله على يديه ليس بفرار

فَبَاتَ النَّاسُ لَيْلَتَهُمْ أَيُّهُمْ يُعْطَى، فَعَدُوا كُلَّهُمْ يَرْجُوهُ

- حدیث منزلت، حدیث غدیر، ...

- لا يحبک الا المومن و لا يبغضک الا المنافق

ابن ابی الحدید معتزلی «در کتاب «شرح نهج البلاغه» آورده است که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) میفرماید:

«اللهم إني أستعديك على قریش»

خدایا مرا در برابر قریش یاری کن.

«فإنهم أضمرُوا لرسولك ضروباً من الشر و الغدر فعجزوا عنها

و حلت بينهم و بينها فكانت الوجبة بى و الدائرة على»

«اللهم احفظ حسنا و حسيناً»

شرح نهج البلاغة لابن أبى الحديد / ، ج ٢٠، ص ٢٩٨،

نامگذاری شیعه توسط پیامبر ص

(٩٨) البينة : ٧ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

سیوطی در الدر المنثور

وأخرج ابن مردويه عن عائشة قالت : « قلت يا رسول الله : من أكرم الخلق على الله؟ قال : « يا عائشة أما

تقرئين { إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية } .

وأخرج ابن عساكر عن جابر بن عبد الله قال : « كنا عند النبي صلى الله عليه وسلم فأقبل على فقال النبي

صلى الله عليه وسلم : « والذي نفسي بيده إن هذا وشيعته لهم الفائزون يوم القيامة ، ونزلت { إن الذين

آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية } فكان أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم إذا أقبل على قالوا

: جاء خير البرية .

وأخرج ابن عدى وابن عساكر عن أبى سعيد مرفوعاً : على خير البرية .

وأخرج ابن عدى عن ابن عباس قال : « لما نزلت { إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية

{ قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لعلى : « هو أنت وشيعتك يوم القيامة راضين مرضيين .

وأخرج ابن مردويه عن على قال : قال لى رسول الله صلى الله عليه وسلم : « ألم تسمع قول الله : { إن

الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية } أنت وشيعتك وموعدى وموعدكم الحوض إذا جئت

الأمم للحساب تدعون غراً محجلين » .

تعريف شیعه

تشیع یعنی اعتقاد به اینکه خداوند متعال اطاعت مطلقه از دوازده امام معصوم (ع) را در تمام امور دین و

دنیا در رتبه بعد از پیامبر(ص) بر همه مسلمین با نصب و نص الهی واجب کرده است.

بنابراین تفاوت اصلی بین شیعه و سنی در نکات زیر ظاهر می شود:

١. برای شیعه امامت یک اصل ایمانی است (در مقابل شهادتین زبانی صرف به توحید و رسالت که

اصول اسلام فقهی اند). روایت معروف و مشترک من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة

نشان می دهد که امامت یک بحث مرده تاریخی نیست بلکه موضوع زنده دینی روز هر مسلمان است. بلکه امامت را سؤال قبر هم می داند: من ربک؟ من نبیک؟ من امامک؟

۲. امامت نزد شیعه یک بحث کلامی و فقهی است، ولی در نزد اهل سنت صرفاً یک فرع فقهی است. شیعه از یک طرف معتقد است که تعیین الامام واجب علی الله لذا امامت بحث کلامی دارد و از طرف دیگر اطاعت از امام بر مسلمان مکلف واجب است لذا امامت بحث فقهی هم دارد. در مقابل اهل سنت می گوید: واجب علی الامه تعیین الامام ... و واجب اطاعته. بنابراین امامت صرفاً یک فرع فقهی است.

۳. نزد شیعه امامت با نصب و نص الهی از طریق اعلام پیامبر یا امام سابق ثابت و مشروع می شود. ولی نزد علمای اهل سنت نصی در تعیین امام از طرف پیامبر(ص) موجود نیست و حضرت امت را در مورد امامت به حال خود رها کرده است. اهل سنت به یکی از طرق آتی تعیین امام را مشروع می داند:

مورد خلیفه اول: اجماع اهل حل و عقد از امت

مورد خلیفه دوم: وصیت خلیفه سابق

مورد خلیفه سوم: شوری

مورد معاویه: غلبه

متأسفانه درباره نحوه به خلافت رسیدن امیرالمؤمنین ع موضوع را مسکوت می گذارند.

- در حالیکه اگر معیار اجماع حل و عقد باشد این امر برای حضرت امیر ع فقط محقق شده و نه ابی بکر که اجماع همه اهل حل و عقد در کار نبوده مثلاً امام علی و برخی از اصحاب کبار مخالفت کردند بعلاوه قبیله بنی اسلم را در کوچه های مدینه آوردند و خیلی ها را با زور و تهدید مجبور به بیعت کردند و به خانه حضرت فاطمه هجوم بردند برای بیعت و ...

- و اگر معیار وصیت باشد پیامبر وصیت کرده درباره امام علی ع

- و اگر شوری ملاک باشد از قبل می گفتند خدا نبوت و خلافت را برای بنی هاشم جمع نکرده است. پس معلوم شد دروغ می گویند.

۴. امام در نزد شیعه باید معصوم باشد ولی نزد اهل سنت نه تنها عصمت شرط امامت نیست بلکه امامت فاجر هم مشروع است. بله بهتر است امام عادل باشد.

۲ بقره ۱۲۴: وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

تعریف شیعه به روش اشتراک و استراتژی وحدت

در رجال کشی مطلبی را از ابان بن تغلب از اصحاب مورد وثوق اهل بیت ع نقل می کند که قابل استفاده است:

فقال أبان له: يا ابا البلاد تدري من الشيعة؟ الشيعة الذين إذا اختلف الناس عن رسول الله صلى الله عليه وآله أخذوا بقول علي عليه السلام، وإذا اختلف الناس عن علي أخذوا بقول جعفر بن محمد عليه السلام. در این روش ابان بن تغلب تشیع را چنین تعریف می کند: اگر همه مسلمین در امری از فهم قرآن و سنت رسول مشترک و متفق باشند ما با همه مسلمین هستیم ولی اگر در همین مورد اتفاق مسلمین نباشد شیعه نظر گروهی که در آن علی علیه السلام حضور دارد می پذیرد. در مرتبه بعد اگر در آنچه که از علی علیه السلام نقل می شود بین مؤمنین اتفاق باشد شیعه با همه مؤمنین است ولی اگر در این مورد اختلافی باشد، شیعه با گروهی است که حسن بن علی در آن است. به همین روش شیعه با گروهی است که حسین در آن گروه است تا برسد به امام زمان ع.

فرق‌های دیگر

ما فرق اساسی میان شیعه و سنی را بیان کردیم. لکن می توان از جهات مختلف تفاوت‌های جزئی و فرعی را نیز در نظر گرفت که مبلغ باید به این اختلافات و یا تشابهات نیز آشنا باشد و هنگام گفتگو آنها را مد نظر داشته باشد از همین ها برای معرفی شیعه استفاده کند. البته از یک منظر این تفاوتها جزئی و از منظر دیگر بسیار هم اساسی اند:

۱. توحید و بحث عدالت الهی میان شیعه و سنی متفاوت است

۲. عصمت انبیاء میان شیعه و سنی متفاوت است

۳. مسأله جبر و اختیار میان شیعه و سنی متفاوت است. شیعه نه به جبر اشاعره سنی و نه به تفویض

معتزلیان سنی معتقد بلکه به راهنمایی اهل بیت ع معتقد به امر بین الامرین می باشد.

الصَّادِق (علیه السلام) - عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: قُلْتُ أَجْبِرَ اللَّهُ الْعِبَادَ عَلَى الْمَعَاصِي قَالَ لَا قُلْتُ فَفَوَّضَ إِلَيْهِمُ الْأَمْرَ قَالَ لَا قَالَ قُلْتُ فَمَاذَا قَالَ لَطُفٌ مِنْ رَبِّكَ بَيْنَ ذَلِكَ.

- الصادق (علیه السلام) - عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْجَبْرِ وَالْقَدَرِ فَقَالَ لَا جَبْرَ وَلَا قَدَرَ وَلَا كُنْ مَنْزِلَهُ بَيْنَهُمَا فِيهَا الْحَقُّ الَّتِي بَيْنَهُمَا لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا الْعَالِمُ أَوْ مَنْ عَلَّمَهَا إِلَيْهِ الْعَالِمُ ۴. مسأله شفاعت و واسطه فیض بودن

امامت در نظر شیعه یک مقام دینی و الهی است در حالیکه در نظر اهل سنت صرفاً یک مقام دنیوی است. امام واسطه فیض الهی است. جالب است که در جهان اهل سنت و بین الملل القاء می شود که شیعه یک جنبش با ریشه های سیاسی است ولی اهل سنت ارتدکس های اسلام هستند. راست کیشان اسلام می باشند.

علامه طباطبائی (رحمه الله)، در بیان معنای شفاعت میفرماید:

«شفاعت، دو قسم است: تکوینی و تشریعی. شفاعت تکوینی، از تمام اسباب وجودی سر می زند و همه اسباب، نزد خداوند، شفیع هستند؛ چون، میان خدا و مسبب خود واسطه اند، اما شفاعت تشریعی که در دایره تکلیف و مجازات واقع است، خود، دو نوع است: شفاعت در دنیا و شفاعت در قیامت که باعث آمرزش گناهان و قرب به خدا میشود

۱۰ یونس ۲: إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَمْ فَلَا تَذَكَّرُونَ ۲۰ طه ۱۰۹: يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ۳۹ زمر ۳: أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ

۷. شیعه قائل به بداء است ولی اهل سنت قبول ندارد

۱۳ رد ۲۹: يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

الصادق (علیه السلام) - وَ هَلْ يُمَحَى إِلَّا مَا كَانَ ثَابِتًا وَ هَلْ يُثَبَّتُ إِلَّا مَا لَمْ يَكُنْ

- تغییر فرمان الهی به حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام: «إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ...». (سوره صافات، ۱۰۲-۱۰۷)

حرام ساختن ورود بنی اسرائیل به سرزمین مقدس به مدت ۴۰ سال در پی مخالفت آنان با فرمان ورود در آن: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ... قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (سوره مائده، ۲۱-۲۶).

- تکمیل میقات حضرت موسی علیه السلام و پایان یافتن آن در ۴۰ شب: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ...». (سوره اعراف، ۱۴۲)

۸. شیعه در مسأله مهدویت دارای اشتراکات و اختلافاتی با اهل سنت است

۹. شیعه رجعت را قبول دارد ولی اهل سنت نه.

۲۷ نمل ۸۳: وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ

الصادق (علیه السلام) - عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا قَالَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قُتِلَ إِلَّا يَرْجِعُ حَتَّى يَمُوتَ وَ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا وَ مَنْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضًا.

۱۰. منابع فقه در نزد شیعه کتاب و سنت معصومین علیهم السلام است طوری که سنت رسول (ص) اصل و سنت بقیه اهل بیت ع مفسر و مبین کتاب و سنت رسول (ص) می باشد. ولی در نزد اهل سنت منابع فقه عبارت است از کتاب و سنت پیامبر (ص) و اجماع، عمل و اجتهاد اصحاب. در اینجا برای نجات نظام فقهی و مکتب خلافت ناچار شده اند که بگویند همه اصحاب عادل هستند.

۱۱. اجماع در نظر اهل سنت منبع فقه و تشریع است. اجماع صرفاً اخبار نیست بلکه می تواند انشاء هم باشد. لکن در نظر شیعه اجماع بخودی خود ارزش ندارد مگر آنکه کاشف از حکم شرعی باشد. مثلاً کاشف یا حاوی قول معصوم ع باشد.

۱۲. مجموعه مذاهب فقهی اهل سنت روشهای قیاس، استحسان، سد ذرایع (جلوگیری از هر کاری که به حسب عادت منجر به مفسده ای می شود)، مصالح مرسله را برای استنباط حکم شرعی استفاه می کنند در حالیکه این موارد که همگی ظنون می باشند در نظر شیعه باطل اند. بله شیعه در مواردی حکم عقل را کاشف از حکم شرعی می داند.

«إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ وَالْأَرَءِ الْبَاطِلَةِ وَالْمَقَايِيسِ الْفَاسِدَةِ» مستدرک الوسائل: ج ۱۷، ص ۲۶۲.

مذهب شیعه مذهب نص و عقل است و نه مذهب اجتهاد به معنای منفی آن. تاریخ مفهوم اجتهاد. باب اجتهاد بعد از ائمه چهار گانه فقهی نزد اهل سنت بسته است ولی باب اجتهاد در شیعه باز است. یکی از علل نبود روحیه گفتگو و بحث و جستجوی حقیقت در مسأله امامت نزد اهل سنت به همین مطلب بر می گردد.

فقه اهل سنت مسأله گو یعنی مجتهد را با حاکم دو تا می بیند ولی فقه شیعه فقه ولایی است. یعنی حاکم و ولی خود باید مجتهد باشد. لذا یکی از ریشه های عمیق جدایی دین و سیاست در جهان اسلام، همین جدایی دستگاه خلافت سنی و نظام فقهی آنهاست. و این مطلب از زمان ابوبکر شروع شده است. ۱۳. شیعه متعه را یک نوع از ازدواج می داند ولی اهل سنت آن را منسوخ و باطل و نامشروع می پندارند.

۴ نساء ۲۴: وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

روایت بخاری

«۴۲۴۶ حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ حَدَّثَنَا يَحْيَى عَنْ عِمْرَانَ أَبِي بَكْرٍ حَدَّثَنَا ابُورَجَاءٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ أَنْزِلَتْ آيَةُ الْمُتْعَةِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَفَعَلْنَاهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَمْ يُنْزَلْ قُرْآنٌ يُحَرِّمُهُ وَلَمْ يَنْهَ عَنْهَا حَتَّى مَاتَ قَالَ رَجُلٌ بِرَأْيِهِ مَا شَاءَ»

صحیح مسلم

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ رَافِعٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ أَخْبَرَنَا ابْنُ جُرَيْجٍ أَخْبَرَنِي ابُو الزُّبَيْرِ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ كُنَّا نَسْتَمْتِعُ بِالْقَبْضَةِ مِنَ التَّمْرِ وَالْدَّقِيقِ الْيَّامَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ حَتَّى نَهَى عَنْهُ عُمَرُ فِي شَأْنِ عَمْرٍو بْنِ حُرَيْثٍ»

متعتان كانتا على عهد رسول الله، أنا أنهى عنهما وأعاقب عليهما: متعة الحج و متعة النساء.

۱۴. در نظر اهل سنت همه صحابه عادل اند و شیعه مورد به مورد اصحاب را جداگانه قابل بحث می داند. در بین اصحاب، منافق هم حضور داشته است. و برائت از برخی از صحابه را واجب می داند
قال الحافظ شمس الدين محمد السخاوي، قال البيهقي في كتابه (المدخل) عن حديث سليمان بن ابي كريمة، عن جويبر، عن ضحاک، عن ابن عباس، قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «مهما اوتيتم من كتاب الله فالعلم به لا عذر لاحد في تركه فان لم يكن في كتاب الله فبسنة منى ماضية، فان لم تكن سنة منى فما قال اصحابي، ان اصحابي بمنزلة النجوم في السماء، فايما اخذتم به اهتديتم، واختلاف امتي رحمة».

ابن جوزی در زمینه حدیث «نجوم» می گوید:

روی نعیم بن حماد؛ قال: حدثنا عبدالرحيم بن زيدالعمي عن ابيه عن سعيد بن المسيب، عن عمر بن الخطاب، قال قال رسول الله ص: «سالت ربي فيما يختلف فيه اصحابي من بعدى، فاوحى الى يا محمد، ان اصحابك عندى بمنزلة النجوم فى السماء بعضها اضوا من بعض، فمن اخذ بشىء مما عليه من اختلافهم فهو على هدى».

و در ادامه می افزاید:

صحت این روایت، از ناحیه دو راوی، محل تردید است و لذا قابل اعتنا نیست؛ یکی نعیم بن حماد که مورد قدح و خدش است، و دیگری عبدالرحیم بن زید عمی که یحیی بن معین درباره او گفته است: «عبدالرحیم فردی کذاب و دروغگو است».

۴۸ فتح ۱۸: لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

۹ توبه ۱۰۰: وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

توبه ۱۰۱: وَ مِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِّنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُّوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ

۳۳ احزاب ۵۷: إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا

صحیح بخاری

۶۵۷۶ - وَحَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ عَلِيٍّ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنِ الْمُغِيرَةِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا وَائِلٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، وَلَيَرَفَعَنَّ مَعِيَ رِجَالٌ مِنْكُمْ ثُمَّ لَيُخْتَلَجَنَّ دُونِي، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي، فَيُقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ - حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ أَبِي مَرْيَمَ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُطَرِّفٍ، حَدَّثَنِي أَبُو حَازِمٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، مَنْ مَرَّ عَلَى شَرِبَ، وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا، لَيَرِدَنَّ عَلَى أَقْوَامٍ أَعْرِفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي، ثُمَّ يَحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ»

۶۵۸۴ - قَالَ أَبُو حَازِمٍ: فَسَمِعَنِي النُّعْمَانُ بْنُ أَبِي عِيَّاشٍ، فَقَالَ: هَكَذَا سَمِعْتُ مِنْ سَهْلٍ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، فَقَالَ: أَشْهَدُ عَلَى أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، لَسَمِعْتُهُ وَهُوَ يَزِيدُ فِيهَا: "فَأَقُولُ إِنَّهُمْ مِنِّي، فَيُقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ، فَأَقُولُ: سَحَقًا سَحَقًا لِمَنْ غَيَّرَ بَعْدِي" وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: سَحَقًا: بُعْدًا يُقَالُ: {سَحِيقٌ} [الحج: ۳۱]: بَعِيدٌ، سَحَقَهُ وَأَسَحَقَهُ أَبْعَدَهُ.

برخی صحابه محترم نزد شیعه

مردان: سلمان فارسی • مقداد بن اسود • میثم تمار • ابوذر غفاری • عمار یاسر و پدرش • ابو سعید خدری، بلال حبشی • جعفر بن ابیطالب • مالک اشتر • محمد بن ابی بکر • عقیل • عثمان بن حنیف • کمیل بن زیاد • اویس قرنی • ابویوب انصاری • جابر بن عبدالله انصاری • ابن عباس • ابن مسعود •

ابوطالب • حمزه • یاسر • هانی بن عروه • عثمان بن مظعون • عبدالله بن جعفر • خباب بن ارت • اسامه بن زید • خزیمه بن ثابت • مصعب بن عمیر • مالک بن نویره • زید بن حارثه، ...
 زنان: فاطمه بنت اسد • حلیمه • زینب • اسماء بنت عمیس • ام ایمن • صفیه بنت عبدالمطلب • سمیه،
 ام سلمه

۱۵. در نظر اهل سنت علی با خلفاء بیعت کرده و مشکلی میان آنها نبوده است. شیعه قبول ندارد. و این مساله بسیار مهم است.

۱۶. نماز، اذان و وضوی اهل سنت با نماز شیعه، اذان شیعه، وضوی شیعه تفاوت دارد هر چند اشتراکات فراوانی هم هست. مساله سجده بر تربت و ...
 ۱۷. نظام سیاسی شیعه با اهل سنت متفاوت است.

۱۸. تقیه: تقیه، اصطلاحی دینی به معنای ابراز داشتن عقیده یا انجام دادن کاری بر خلاف نظر قلبی خود به دلایلی خاص می باشد. شیخ انصاری: التحفظ عن ضرر الغير بموافقه فی قول او فعل مخالف للحق تقیه، به شیعه امامیه اختصاص ندارد، بلکه همه طوایف و عقلای عالم در زمان های مختلف (حتی قبل از اسلام) هنگام گرفتاری، به آن عمل نموده اند، مانند: تقیه مؤمن آل فرعون و اصحاب کعبه.
 تقیه با نفاق در موضوع و غایت تفاوت دارد. تقیه اخفای عقیده حق خود جهت حفظ جان و .. در حد ضرورت تا جایی که به ضرر اسلام نباشد ولی نفاق و نفوذ اخفای عقیده باطل و کفر خود جهت اصرار به دین و مجتمع اسلامی است.

۱۶ نحل ۱۰۶: مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
 ۳ آل عمران ۲۸: لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاءً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ
 ۴۰ غافر ۲۸: وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ ...

۲۰. جایگاه زن نزد فریقین

۴ نساء ۱: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا
 ۳۰ روم ۲۱: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

تعدادی از بزرگان اهل سنت، از عمر بن خطاب نقل کرده اند که او تمام زنان را شیطان می دانست و از شر آن ها به خداوند پناه می برد . ماوردی بصری در ادب الدنيا والدین، ابو عبد الله قرطبی در تفسر خود، ابن حجر عسقلانی در فتح الباری و محمد عبد الرؤوف مناوی در فیض القدیر نوشته اند:

وَسَمِعَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ امْرَأَةً تَقُولُ هَذَا الْبَيْتَ : إِنَّ النِّسَاءَ رِيَّاحِينَ خُلِقْنَ لَكُمْ وَكُلُّكُمْ يَشْتَهِي شَمَّ الرِّيَّاحِينَ فَقَالَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : إِنَّ النِّسَاءَ شَيَاطِينَ خُلِقْنَ لَنَا نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲ هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۲ ص ۲۲۳، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت

از زن ، سگ سیاه و الاغ باید دوری کرد
ابن رجب حنبلی در شرح صحیح بخاری می گوید که از زن ها باید دوری کرد؛ چون آن ها ریسمان های شیطان هستند:

خست هذه الثلاث بالاحتراز منها ، وهی : المرأة ؛ فإن النساء حبائل الشيطان ، وإذا خرجت المرأة من بيتها استشرفها الشيطان ، وإنما توصل الشيطان إلى إبعاد آدم من دار القرب بالنساء . والكلب الأسود : شيطان ، كما نص عليه الحديث . وكذلك الحمار ؛ ولهذا يستعاذ بالله عند سماع صوته بالليل ، لأنه يرى الشيطان

مسلم نیشابوری در صحیح خود به نقل از ابوذر غفاری می نویسد:

حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة حدثنا إسماعيل بن علية ح قال وحدثني زهير بن حرب حدثنا إسماعيل بن إبراهيم عن يونس عن حميد بن هلال عن عبد الله بن الصامت عن أبي ذر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا قام أحدكم يصلي فإنه يستتره إذا كان بين يديه مثل آخره الرجل فإذا لم يكن بين يديه مثل آخره الرجل فإنه يقطع صلاته الحمار والمرأة والكلب الأسود قلت يا أبا ذر ما بال الكلب الأسود من الكلب الأحمر من الكلب الأصفر قال يا بن أخي سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم كما سألتني فقال الكلب الأسود شيطان

هیشمی با سند معتبر نقل کرده که :

پیغمبر فرمود تازیانه را در جایی از خانه آویزان کنید که ببینند اهل خانه

مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هیشمی، ص ۱۰۶

۲۰. روحیه تسامح و تساهل

أما الإسلام الأصيل المستلهم من القرآن الكريم وسنة الرسول وأهل بيته الأطهار (عليهم السلام) فقد بنى على الرفق والرحمة واللين والمداراة والمحبة، وتدل على ذلك متواتر الروايات.

وفى الروایتین التاليتين أكبر الدلالة: قال الإمام الصادق ع: «أَمَّا عَلِمْتُ أَنَّ إِمَارَةَ بَنِي أُمَيَّةَ كَانَتْ بِالسَّيْفِ وَالْعَسْفِ وَالْجَوْرِ وَأَنَّ إِمَامَتَنَا بِالرَّفْقِ وَالتَّائُلِفِ وَالْوَقَارِ وَالتَّقِيَّةِ وَحُسْنِ الْخُلُطَةِ وَالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فَرَعَّبُوا النَّاسَ فِي دِينِكُمْ وَفِي مَا أَنْتُمْ فِيهِ» وسائل الشيعة: ج ۱۶ ص ۱۶۴

وعن رسول الله (صلى الله عليه وآله) أنه قال: «حُرِّمَتِ النَّارُ عَلَى الْهَيْنِ اللَّيِّنِ السَّهْلِ الْقَرِيبِ» قريب يعنى مردمدار و در خانه به روى مردم باز است

ومراد از سهل: السهل فى التعامل والقضاء والاقتضاء.

وعن النبى (صلى الله عليه وآله) قال: «الْمُؤْمِنُونَ هَيِّنُونَ لَيِّنُونَ». الكافى: ج ۲ ص ۲۳۴.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): «مَا مِنْ عَمَلٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَى رَسُولِهِ مِنَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَالرَّفْقِ بِعِبَادِهِ، وَمَا مِنْ عَمَلٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْإِشْرَاكِ بِاللَّهِ تَعَالَى وَالْعُنْفِ عَلَى عِبَادِهِ» بحار الأنوار: ج ۷۲ ص ۵۴.

«مَا وَضِعَ الرَّفْقُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا وَضِعَ الْخُرْقُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ» مستدرک الوسائل: ج ۱۱ ص ۲۹۲.

ولذا قال (صلى الله عليه وآله): «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ» عوالى اللئالى: ج ۱ ص ۳۸۱.

آل عمران ۱۵۹: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»

وهو نفسه الهدف والغرض والغاية من الخلقة؛

هود ۱۱۸ و ۱۱۹: «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ * إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ»